

# خود دریا شده ام



دکتر شکوهی

یاد پانیزان سالهای دور تبریز یاد باد. تبریز آن سالها هنوز سرسبز بود و کوی دلبران، هنوز تحت عناوین کلان شهری، مادر شهری، قطب صنعتی و ... زیر بولدزر و لودرهای سنگین و سبک له و لورده نشده بود. خانه باغچه‌ها با اندرونی و بیرونی‌های مشجرش با کوچه‌های آشتی‌کنان و میدانچه و بازارچه‌ها و در بهارش عروس شهرهای روزگار خود بود. باغها با فضای روح‌بخش و جانفزای خود صفاجویان را به خود می‌خواند. آبها جاری و چشمه‌ها جوشان بود و کسی آبها را گل نمی‌کرد.

باغ‌میشه و حکم‌آوار و باغهای فرسخ - فرسخ مارالان و قزوینی و حاج فرج آقا پناهی و صاحب دیوان و باغ وزیر و مستشار و ...

روضات الجنان  
شهر بودند  
دهات

پربرکت و پطراروت حکم‌آوار و قراملک و لاله و خطیب و پینه‌شلوار (شاه‌آباد) شاه‌گلی و کرگه و بارنج و بیک‌معنی باغ‌میشه و ییلانکی و رواسان و آخماقیه و لاهیجان جزو مناطق شهرداریها درنیامده بودند و دارای هویت مستقل خود بودند بقول مؤلف تاریخ مشروطه ایران در وصف حکم‌آوار آن سالها: "تویهاران که سبزه از زمین روید و درختان انبوه بادام از شکوفه رخت سفید پوشد فرسخ فرسخ زمین همه سبز و شاداب و هوا همه پر از گل و شکوفه گردد...".<sup>۱</sup> قریه لاله نیز چون دیگر قریه‌ها نشان از توصیف ادبی‌الملک را داشت که: "... جای تفرج و تماشای مردمان نشاط‌انگیز و جای انبساط احباب، در تابستان در روزهای جمعه زیاده از هزاران نفر زن و مرد در آنجا می‌روند و ...".<sup>۲</sup>

هنوز رودخانه‌هایش کانال و باغ‌هایش پارک و خانه باغچه‌هایش برج و بازارچه‌هایش پاساژ و کاروانسراهایش پارکینگ نشده بود دریغ از بافت سستی و اصیل

تبریز دریغ.

اما به مرور بافتش را می‌کوبیدند و می‌ریختند و می‌انداختند و می‌رفتند! در چنان محیط جز رایحه وفا و صفا و دلدادگی و دلربایی سراغ نداشتی و در چنین محیط جز بی‌وفایی و بی‌صفایی و دل‌شکستگی نداری.

کوبیدن بافت فیزیکی و آثار و مآثر شهر همراه با حزن و غم حاصل از جو سیاسی و اجتماعی روز که از قلع و قمع آرزوهای معنوی و درونی با واقعه شوم کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همراه بود، صاحبان اندیشه و روشنفکران متوسط‌الحال شهری که درباره‌شان ظلم مضاعف اعمال می‌شد مستمسکی جز شعر روز و روزگاران "زمستان" اخوان ثالث و ترانه به یاد ماندنی "مرا بیوس" با صدای گلنراقی و قطعه جاودانه "حیدربابایه سلام" شهریار برای تسکین آلام درونی خود نداشتند دیگر آهنگ عشق و عاشقی و نوای دل و دلدادگی در چنین ساحه‌ای که قهرمانش در، بند لشکر ۲ زرهی تهران مجوس و با مشت و فریاد و خطابه و نطقه خود دادگاه و رژیم و مستکبران را به دادگاه کشانده بود و جهان را متوجه فریاد خود و ظلم رفته بر مردم ایرانش ساخته بود گویی به باد فراموشی سپرده شده بود.

در این حال و هوا با

